
پیامبر
پایه گذار تشیع
علی اکبر مهدی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پایه گذار تشیع

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پایه گذار تشیع

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پایه گذار تشیع: چهل حدیث پیرامون شیعیان امیرمومنان علیه السلام از خاتم پیامبران صلی الله علیه و اله در منابع اهل سنت/ علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: دلیل ما، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۳ ص.

شابک : ۱۳۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۴۵۰-۳ : ؛ ۷۵۰۰ ریال(چاپ اول)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ اول: زمستان ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : چهل حدیث پیرامون شیعیان امیرمومنان علیه السلام از خاتم پیامبران صلی الله علیه و اله در منابع اهل سنت.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- احادیث

موضوع : شیعه -- احادیث اهل سنت

رده بندی کنگره : BP۱۱۷/۲۵ /ش۹ م۸۶ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۵۲۱۲۶

ص: ۱

اشاره

بسم اللّه الرحمن الرحيم

الحمد للّه ربّ العالمين و صلّى اللّه على سيّدنا

محمّد و آله الطيّبين الطّاهرين ، سيّما الامام المبين ،

بقيّه اللّه فى الأرضين ، الحجّه بن الحسن المهدى

عجّل اللّه تعالى فرجه الشّريف

ص: ۳

اهداء

این نوشته را به پیشگاه مقدّس صاحب ولایت کبری امیرمؤمنان علیه السلام تقدیم می کنیم و به محضرش عرضه می داریم:

یا صاحبَ الولایه! و یا سیّد الامّه و أبا الائمّه!

« یا ایّها العزیز مسّنا و أهلنا الضّرّ وجئنا ببضاعه مزجاه فأوف لنا الکیل و تصدّق علینا انّ اللّه یجزی المتصدّقین »

این بضاعت اندک و صحیفه محبّت ما را بپذیر و به ما احسان فرما که خداوند احسان پیشگان را پاداش نیکو عطا فرماید.

* * *

بلاغ مبین به زبان پیامبر امین صلی الله علیه و آله وسلم :

« عُنْوانُ صَحیفَهِ الْمـُؤْمِنِ: حُبُّ عَلِیِّ بْنِ اَبیطالِبٍ ».(۱)

« مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیی حَیاتی، وَ یَمُوتَ مَماتی، وَ یَسْکُنَ جَنَّهَ عَدْنٍ غَرَسَها رَبّی، فَلْیُوالِ عَلِیّاً مِنْ بَعْدی، وَلْیُوالِ وَلِیَّهُ، وَلْیَقْتَدِ بِالْاَءِئَمَّهِ مِنْ بَعْدی، فَاِنَّهُمْ عِتْرَتی، خُلِقُوا مِنْ طینَتی، رُزِقُوا فَهْماً وَ عِلْماً، وَ وَیْلٌ لِلْمُکَذِّبینَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ اُمَّتی، الْقاطِعینَ فیهِمْ صِلَتی، لا أَنا لَهُمُ اللّهُ شَفاعَتِی ».(۲)

ترجمه: سرآغاز نامه اعمال فرد باایمان، دوستی علیّ بن ابی طالب علیه السلام است.

هر کس دوست دارد که زندگانی او با زندگانی من هماهنگ باشد، و مرگ وی همانند مرگ من باشد، و در بهشتِ آراسته و جاودانی که

ص: ۵

۱- ۱ . این حدیث شریف را « حافظ، خطیب بغدادی » از علمای اهل سنّت در کتاب ارزشمند « تاریخ بغداد » ، ج ۴ ، ص ۴۱۰، پس از دقّت در اسناد آن به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسانده و ثبت کرده است.

۲- ۲ . این حدیث مبارک را « حافظ، ابونعیم اصفهانی از علمای اهل سنّت » در کتاب « حلیهُ الأولیاء »، ج ۱ ، ص ۸۶، پس از تحقیق درباره صدور آن از حضرت نبیّ اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است.

نهال آنرا مولای من به دست قـدرت خود نشانده است مسـکن گزیند؛ باشد باید « علی » علیه السـلام را دوست بدارد و پس از من از او پیروی کنـد، و دوست وی را نیز دوست بـدارد، و به امامـان بعـد از من اقتـدا نمایـد، زیرا ایشـان عترت من هسـتند، از سرشت من آفریده شده اند، و از سرچشمه زلال فهم و علم کاملاً بهره مند گشته اند.

وای بر گروهی که فضـیلت و برتری آنها را تکـذیب کرده، رشـته پیوسـته میان من و ایشان را قطع نمایند، خداوند شـفاعت مرا شامل آنان نفرماید.

* * *

ص: ۶

گلواژه شیعه

اشاره

« شیعه » از نظر لغت به معنی پیرو، یار و انصار است، و ریشه آن از « مشایعت » به معنی اطاعت و پیروی کردن است این واژه اختصاصاً در مورد افرادی به کار می رود که پیرو امیرمؤمنان علی علیه السلام و فرزندان معصوم آن حضرت هستند و به امامت آنها اعتقاد دارند تا آنجا که اگر واژه شیعه بدون قید و شرط اضافی به کار برده شود و قرینه ای در کار نباشد، اذهان منحصراً به این افراد معطوف می شود که قائل به امامت ائمّه معصومین علیهم السلام هستند.

ازهری می نویسد، « ... الشّیعهُ قومٌ یهوون هوی عتره النّبیّ صلی الله علیه و آله وسلم و یوالونهم ».

یعنی: شیعه گروهی هستند که به عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عشق می ورزند و ولایت آنها را پذیرفته اند.

شهرستانی در « ملل ونحل » می نویسد : « الشّیعه هم الّذین شایعوا علّیاً رضی اللّه عنه علی الخصوص وقالوا بامامته وخلافته نصّاً ووصیّه إمّا جلیّاً وإمّا خفیّاً واعتقدوا أنّ الإمامه لاتخرج من أولاده » .

ص: ۷

یعنی : شیعه کسانی هستند که بالخصوص از علی علیه السلام پیروی کرده ، به امامت و خلافت او بر اساس وصیّت و نصّ پیامبر به صورت آشکار و پنهان ، معتقد شده ، و معتقد هستند که هرگز امامت از فرزندان او بیرون نمی رود.(۱)

ابن خلدون در مقدّمه « العبر » می نویسد: « شیعه از لحاظ لغوی به معنی یاران و پیروان است و در اصطلاح فقهاء و متکلّمین ــ اعمّ از پسینیان و پیشینیان ــ بر پیروان علی علیه السلام و فرزندانش اطلاق می گردد.(۲)

ابو محمّد حسن بن موسی نوبختی(۳) که در قرن سوم هجری می زیست، در کتاب « فرق الشّیعه » می نویسد:

«جمیع اصول الفرق اربع فرق: الشّیعه و المعتزله و المُرجعه و الخوارج، فالشّیعهُ هم فرقهُ علی بن ابیطالب علیه السلام المسمّون بشیعه علیٍّ فی زمان النّبیّ و ما بعده، معروفون بانقطاعهم الیه و القول بإمامته، منهم: المقداد بن الأسود و سلمان الفارسی و ابوذر جندب بن جناده الغفاری و عمّار بن یاسر و من وافقه مودّته مودّه علیّ علیه السلام و هم اوّل من سمّی باسم التّشیّع من هذه الامّه، لأنّ اسم التّشیّع قدیماً لشیعه ابراهیم و موسی و عیسی و الأنبیاء صلوات اللّه علیهم اجمعین ».

ترجمه: اساس فرقه ها چهار فرقه اند: شیعه، معتزله، مُرجعه و خوارج.

۱– ۱ . الملل والنّحل ، ج ۱ ، ص ۱۴۶ .
۲– ۲ . مقدّمه ابن خلدون ، ص ۱۳۸.
۳– ۳ . ابو محمّد حسن بن موسی نوبختی از دانشمندان و متکلّمین اسلام است که دارای تصانیف بسیاری است که حدود چهل کتاب است.

شیعه فرقه علی بن ابیطالب علیه السلام است که به نام شیعه علی علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و پس از آن نامیده می شدند، و مشهور در دلبستگی کامل به علی علیه السلام و اعتقاد به امامت او هستند، که از آنهاست: مقداد بن اسود، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمّار بن یاسر و کسانی که مودّت علی علیه السلام را دارا بوده اند. آنها اوّلین کسانی بودند که به نام تشیّع در میان این امّت نامیده شدند زیرا اسم تشیّع در قدیم نام شیعه ابراهیم و موسی و عیسی و انبیاء دیگر ــ صلوات اللّه علیهم اجمعین ــ بود.(۱)

ابو حاتم سهل بن محمّد سجستانی(۲) (متوفّای ۲۵۰ هجری) در کتاب « الزّینه » می نویسد: « انّ لفظ الشّیعه علی عهد رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم کان لقب اربعةٍ من الصّحابه: سلمان الفارسی و ابی ذرّ الغفاری و المقداد بن الأسود و عمّار بن یاسر ».

ترجمه: لفظ شیعه در زمان رسول خدا لقب چهار نفر از اصحاب بود: سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود و عمّار بن یاسر.

برخی از نویسندگان نادان یا مغرض در گذشته و حال تشیّع را مانند سایر مذاهب اسلامی نتیجه درگیریهای سیاسی دانسته اند، و برخی آن را نتیجه بحثهای کلامی و درگیریهای فکری پنداشته اند، آنگاه به جستجوی مبدأ ظهور آن در جامعه اسلامی برخاسته اند. ولی اگر آنها به دیده انصاف و تحقیق می نگریستند به خوبی در می یافتند که تشیّع در

۱- ۱ . فرق الشّیعه ، ص ۱۷ .

۲- ۲ . ابو حاتم سهل بن محمّد بن عثمان سجستانی از دانشمندان لغوی و علوم قرآنی بود که در بصره سکنی داشت و عالم آنجا محسوب می شد.

زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پایه ریزی شد و در حقیقت مبدأ تاریخ تشیّع همان مبدأ تاریخ اسلام است؛ و پیامبر اکرم از همان روز اوّل رسالت خویش بذر تشیّع را در نهال اسلام پاشیدند، و تا هنگامیکه دعوت پروردگار را اجابت فرمودند پیوسته این نهال پاکیزه را آبیاری فرموده، پایه های آنرا مستحکم کردند.

هنگامیکه آیه « وَ أَنْذِرْ عَشیرَتَکَ الْأَقْرَبینَ » نازل شد، نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بنی هاشم را گرد آورد و به آنها هشدار داد، فرمود: « اَیّکُمْ یُؤازِرُنی لِیَکُونَ أَخی وَ وارِثی وَ وَزیری وَ وَصِیّی وَ خَلیفَتی فیکُمْ بَعْدی » یعنی: « کدامیک از شما مرا یاری می دهد، تا برادر، وارث و وزیر من، و بعد از من وصی و خلیفه و جانشینم در میان شما باشد » هیچیک از حاضران به درخواست آن حضرت جز علی مرتضی علیه السلام پاسخ مثبت نداد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به آنها فرمود: « هذا اَخی وَ وارِثی وَ وَزیری وَ وَصِیّی وَ خَلیفَتی فیکُمْ بَعْدی فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطیعُوا ».

یعنی: این علی علیه السلام برادر، وارث، وزیر، وصی و جانشین من بعد از من در میان شماست، به امر او گوش فرا دهید و از او فرمان برید.(۱)

۱- ۱ . تاریخ طبری ، ج ۲ ، ص ۳۱۹، تفسیر طبری جزء ۱۹ ، ص ۷۴، شرح نهج البلاغه ابن أبی الحدید جزء ۱۳ ، ص ۲۱۰، الکامل فی التّاریخ ، ج ۲ ، ص ۶۲، لباب التّأویل ، ج ۴ ، ص ۳۷۲، الدّرّ المنثور ، ج ۵ ، ص ۹۷، الخصائص الکبری ، ج ۱ ، ۱۲۳، کنز العمّال ، ج ۱۳ ، ص ۱۱۴ ، حدیث ۳۶۳۷۱ و ص ۱۳۱ حدیث ۳۶۴۱۹، منتخب الکنز ، ج ۵ ، ص ۴۱، البدایه و النّهایه جزء ۳ ، ص ۴۰، شواهدالتّنزیل جزء ۱ ، ص ۳۷۲ ، حدیث ۵۱۴، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام لابن عساکر ، ج ۱ ، ص ۱۰۱ ، حدیث ۱۳۸، حبیب السّیر ، ج ۱ ، جزء ۳ ، ص ۳۰۹، عاقولی در الرّصف ، ج ۱ ، فصل ۱ ، ص ۴۱، دلائل النّبوّه جزء ۲ ، فصل ۲۶ ، ص ۳۶۴، قصص أعلام الإسلام ، ص ۶، سبل الهدی ، ج ۲ ، باب ۶ ، ص ۴۳۴، ثعلبی در الکشف و البیان ، ج ۳ ، ص ۱۶۴، حلبی در انسان العیون ، ج ۱ ، باب ۲۴ ، ص ۲۸۵، حموینی در فرائد السّمطین ، ج ۱ ، باب ۱۶ ، ص ۸۵ ، حدیث ۶۵، گنجی در کفایه الطّالب باب ۵۱ ، ص ۸۹، نسائی در خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام ص ۸۶ ، حدیث ۲۱، مسند احمد حنبل ، ج ۱ ، ص ۱۵۹ و هیثمی در مجمع الزّوائد ، ج ۸ ، ص ۳۰۲.

بنابراین دعوت به تشیّع و پیروی از ابوالحسن علی علیه السلام از سوی صاحب رسالت همگام و همزمان با دعوت به شهادتین صورت گرفته است.

* * *

عنوان « شیعه » از چه زمانی بر پیروان ائمّه علیهم السلام اطلاق شد؟

شاید تصوّر کنیم، عنوان « شیعه » پس از گذشت مدّتی طولانی، از زمان ظهور اسلام بر پیروان اهل البیت علیهم السلام اطلاق شد، بدین معنا که دوستان اهل البیت علیهم السلام ، هنگامی که رو به فزونی نهادند و در سرزمینهای مختلف پراکنده شدند، این عنوان بدانها منسوب گشت تا از سایرین ممتاز و مشخّص شوند. لکن این تصوّر درست نیست، زیرا اگر در احادیث نبوی به جستجو و تحقیق بپردازیم به روشنی می یابیم که اختصاص این عنوان به پیروان امیرالمؤمنین علیه السلام و اهل البیت علیهم السلام همراه و همزمان با همان روزی که اسلام طلوع کرد، می باشد و شاخ و برگ بارورِ آن، مربوط به همان دورانی است که نهال آن غرس شد و سرانجام به این نتیجه می رسیم که شارع مقدّسِ اسلام این نام و عنوان را بر پیروان ائمّه معصومین علیهم السلام وضع کرده است.

مطالبی که در این نوشتار از نظر شما می گذرد، فروغهایی از احادیث نورانی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم است که در اختیار شما خواننده گرامی قرار می دهیم، تا این حقیقت تابناک را به صراحت بیان کنند.

در این احادیث نبوی که همگی از طریق اهل سنّت با سلسله اسناد معتبر روایت شده اند، کلمه « شیعه » به وسیله شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر پیروان امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام اطلاق گردیده است:

ص: ۱۲

۱

خوارزمی از جابر روایت کرده که جابر گفت: ما در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بودیم که علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شد، پیغمبر خدا فرمود: « برادرم به سوی شما آمد » سپس رو به کعبه کرد ودستش را بر کعبه زد و فرمود:

« وَ الَّذی نَفْسی بِیَدِهِ اِنَّ هذا وَ شیعَتَهُ هُمُ الْفائِزُونَ یَوْمَ الْقِیامَهِ » ثمّ قال: « اِنَّهُ اَوَّلُکُمْ ایماناً مَعی، وَ أَوْفاکُمْ بِعَهْدِاللّه ِ، وَ أَقْوَمُکُمْ بِأَمْرِاللّه ِ، وَ أَعْدَلُکُمْ فِي الرَّعِیَّهِ، وَ أَقْسَمُکُمْ بِالسَّوِیَّهِ، وَ أَعْظَمُکُمْ عِنْدَاللّه ِ مَزِیَّهً » .

« قسم به کسیکه جانم در دست اوست مسلّماً این (علی علیه السلام) و پیروان او رستگاران در روز قیامت هستند ». سپس فرمود: « مسلّماً او اوّل کسی است که از میان شما به من ایمان آورد، او وفادارترین شما به پیمان خداست، او قیام کننده ترین شما به امر خداست، او عادلترین شما در بین رعیّت است، او بهترین تقسیم کننده بالسّویه است، او با عظمت ترین شما در نزد خداوند است ».

جابر گفت: در این وقت بود که آیه شریفه « اِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ اُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ »: « بدرستیکه کسانیکه ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند آنها بهترین مردمانند » نازل شد. اصحاب پیامبر هنگامیکه علی علیه السلام وارد می شد می گفتند: « قد جاء خیر البریه »؛ « بهترین مردمان آمد ».(۱)

ص: ۱۳

۱- ۱ . مناقب خوارزمی، ص ۶۲، سیوطی در الدّر المنثور ، ج ۶ ، ص ۳۷۹.

۲

خوارزمی از طریق حافظ ابن مردویه از یزید بن شراحیل انصاری نویسنده (منشیِ) علی علیه السلام روایت کرده است که گفت: از علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا برایم حدیث گفت و حال آنکه پیامبر به سینه ام تکیه کرده بود، فرمود:

« اَیْ عَلِیُّ اَلَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللّه تَعالی: « اِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ اوُلئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ »(۱) أَنْتَ وَشیعَتُکَ، وَمَوْعِدی وَ مَوْعِدُکُمُ الْحَوْضُ، اِذا جاءَتِ الْاُمَمُ تُدْعَوْنَ غُرّاً مُحَجَّلینَ ».

« ای علی آیا نشنیدی قول خدای تعالی را که می فرماید « اِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ اوُلئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ » آنها تو و شیعیان تو هستند، وعده گاه من و شما حوض کوثر است، هنگامیکه امّتها برای حسابرسی بیایند شما با عنوان « آبرومندان » و « روسفیدان » خوانده می شوید ».(۲)

ص: ۱۴

---

۱ - ۱ . تفسیر آیه شریفه «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه » به امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان آن حضرت منحصر به یک حدیث نیست به دلیل اهمیت این مطلب ما چند حدیث در تفسیر این آیه ذکر کردیم.

۲ - ۲ . مناقب خوارزمی ، ص ۱۸۷، و گنجی در کفایه الطّالب ، ص ۱۱۹.

۳

ابن صبّاغ مالکی از ابن عبّاس روایت کرده است که گفت: وقتی آیه « اِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ اوُلئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ » نازل گردید رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

« هُوَ اَنْتَ وَشیعَتُکَ، تَأْتی یَوْمَ الْقِیامَهِ اَنْتَ وَهُمْ راضینَ مَرْضِیّینَ وَ یَأْتی أَعْداؤُکَ غِضاباً مُقْمَحینَ ».

« منظورِ این آیه تو و شیعیان تست، در روز قیامت تو با آنها به پیشگاه خدا می آیید، در حالیکه از خدا خشنود هستید و خدا نیز از شما خشنود می باشد، و دشمنان تو می آیند در حالیکه خشمگین بوده و لگام بر دهان دارند و یا سرشان را به خاطر تنگی غل به بالا گرفته اند ».(۱)

ص: ۱۵

۱- ۱ . ابن صبّاغ مالکی در الفصول المهمّه ، ص ۱۲۲.

حافظ جمال الـدّین زرندی از ابن عبّاس روایت کرده است که هنگامیکه نازل شد: « انّ الذّین آمنوا ... » پیامبر صـلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

« هُوَ اَنْتَ وَ شیعَتُک، تَأْتی اَنْتَ وَ شیعَتُک یَوْمَ الْقِیامَهِ راضینَ مَرْضِیّینَ وَ یَأْتی عَدُوُّک (غضباناً) غِضاباً مُقْمَحینَ »

« مرادِ آیه ، تو و شـیعیان تست؛ در روز قیامت تو با شـیعیانت می آیی در حالیکه از خدا راضـی هستید و خدا نیز از شما راضی است، و دشمن تو می آید در حالیکه خشمگین است و دستهایشان بر گردنشان بسته است ».

علی علیه السلام عرض کرد: دشمن من کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« مَنْ تَبَرَّأَ مِنْک وَ لَعَنَک »

« کسی که از تو بیزاری جوید و تو را لعن کند »

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« وَ مَنْ قالَ: رَحِمَ اللّه ُعَلِیّاً، رَحِمَهُ اللّه ُ».

« هر کس بگوید: « رحمت خدا بر علی علیه السلام » خداوند او را رحمت خواهد کرد ».(۱)

ص: ۱۶

۱- ۱ . زرندی در نظم دررالسّمطین ، ص ۹۲، سیّد شهاب الدّین احمد در توضیح الدّلائل ، ص ۳۳۶.

۵

پیامبر خدا به علی علیه السلام فرمود:

« اَنْتَ وَ شیعَتُکَ فِی الْجَنَّهِ »

« تو و شیعیانت در بهشت خواهید بود ».(۱)

۶

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

« یا عَلِیُّ اِنَّ اللّه ـَقَدْ غَفَرَلَکَ(۲) وَ لِذُرِّیَّتِکَ وَ لِوُلْدِکَ وَ لاِءَهْلِکَ وَ شیعَتِکَ وَ لِمُحِبّی شیعَتِکَ ».

« ای علی مسلّماً خدا تو را و ذریّه، فرزندان، اهل، شیعیان و دوستاران شیعیانت را آمرزیده است ».(۳)

۱- ۱ . تاریخ بغداد، ج ۱۲ ، ص ۲۸۹.

۲- ۲ . روشن است که این عبارت منافی با مقام عصمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست چنانکه مثل این کلام درباره پیامبراکرم در قرآن کریم ذکر شده: « لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر » [فتح ، ۲] و معنی این حدیث همانند تفسیر آن آیه است.

۳- ۳ . الصّواعق المحرقه ، ص ۹۶، ۱۳۹ و ۱۴۰.

۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« اِذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِ دُعِیَ النّاسُ بِأَسْمائِهِمْ و أَسْماءِ اُمَّهاتِهِمْ اِلاّ هذا (یعنی: علیّاً) وَ شیعَتَهُ فَاِنَّهُمْ یُدْعَوْنَ بِأَسْمائِهِمْ وَ أَسْماءِ آبائِهِمْ لِصِحَّهِ وِلادَتِهِمْ ».

« هنگامیکه روز قیامت بپا شود، مردم به نام هایشان و نام های مادرانشان خوانده می شوند، الّا این (یعنی: علی علیه السلام) و شیعیانش که آنها به نام هایشان و نام های پدرانشان خوانده می شوند، زیرا ولادت آنها صحیح (و پاکیزه) بوده است ».(۱)

ص: ۱۸

۱- ۱ . مروج الذّهب ، ج ۲ ، ص ۵۱.

۸

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم (به علی علیه السلام) فرمود:

« اَنْتَ اَوَّلُ داخِلِ الْجَنَّهِ مِنْ اُمَّتی وَ اِنَّ شیعَتَکَ عَلی مَنابِرَ مِنْ نُورٍ مَسْرُورُونَ مُبْیَضَّهً وُجُوهُهُمْ حَوْلی، اَشْفَعُ لَهُمْ فَیَکُونُونَ غَداً فِی الْجَنَّهِ جیرانی ».

« تو اوّلین کسی هستی که از امّت من وارد بهشت می شوی، و شیعیان تو بر منبرهایی از نور قرار خواهند داشت، در حالیکه شادمان و سپیدرو پیرامون من هستند، من برای آنها شفاعت می کنم و آنها فردا در بهشت همسایه منند ».(۱)

ص: ۱۹

۱- ۱ . مجمع الزّواید ، ج ۹ ، ص ۱۳۱ و کفایه الطّالب ، ص ۱۳۵.

۹

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« اَنَا الشَّجَرَهُ وَ فاطِمَهُ فَرْعُها وَ عَلِیٌّ لِقاحُها وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ ثَمَرَتُها وَ شیعَتُنا وَرَقُها وَ أَ صْلُ الشَّجَرَهِ فِی جَنَّهِ عَدْنٍ وَ سائِرُ ذلِکَ فِی سائِرِ الْجَنَّهِ ».

« من درختی هستم که فاطمه شاخه آن است، و علی مایه باروری آن، حسن و حسین میوه آن و شیعیان ما برگهای آن هستند، اصل درخت در جنّت عدن است و باقی آن در قسمتهای دیگر بهشت ».(۱)

ص: ۲۰

۱- ۱ . مستدرک حاکم ، جزء ۳ ، ص ۱۶۰، تاریخ ابن عساکر ، ج ۴ ، ص ۳۱۸، محبّ الدّین در الرّیاض النّضره ، ج ۲ ، ص ۲۵۳، ابن صبّاغ در الفصول المهمّه ، ص ۱۱ و الصّفوری در نزهه المجالس ، ج ۲ ، ص ۲۲۲.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در خطبه ای فرمودند:

« اَیُّهَا النّاسُ مَنْ أَبْغَضَنا أَهْلَ الْبَیْتِ حَشَرَهُ اللّه ُیَوْمَ الْقِیامَهِ یَهُودِیّاً »

« ای مردم هر کس ما اهل بیت را دشمن بدارد، خدا در روز قیامت او را یهودی محشور می کند »

جابر بن عبداللّه گفت: ای پیغمبر خدا! اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند؟ حضرت فرمود:

« وَ اِنْ صامَ وَ صَلّی وَ زَعَمَ اَنَّهُ مُسْلِمٌ، اِحْتَجَرَ بِذلِکَ مِنْ سَفْکِ دَمِهِ وَ اَنْ یُؤَدِّیَ الْجِزْیَهَ عَنْ یَدٍوَهُمْ صاغِرُونَ، مُثِّلَ لی اُمَّتی فِی الطّینِ فَمَرَّ بی اَصْحابُ الرّایاتِ فَاسْتَغْفَرْتُ لِعَلِیٍّ وَ شیعَتِهِ ».

« ولو اینکه روزه بگیرد و نماز بخواند و گمان کند که مسلمان است؛ به سبب اسلام ریختن خون او منع شده و از او با ذلّت جزیه گرفته نمی شود، امّت من درعالم طینت برایم مجسّم شدند؟ صاحبان پرچمها بر من گذشتند ولی من (تنها) برای علی و شیعیانش طلب آمرزش کردم ».(۱)

ص: ۲۱

۱- ۱ . هیثمی در مجمع الزّوائد ، ج ۹ ، ص ۱۷۲.

۱۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

«شَفاعَتی لِاُمَّتی مَنْ اَحَبَّ أَهْلَ بَیْتی وَ هُمْ شیعَتی ».

« شفاعت من برای امّتم مخصوص کسانی است که اهل بیت من را دوست داشته باشند و تنها آنها شیعه و پیرو منند ».(۱)

ص: ۲۲

۱- ۱ . تاریخ بغداد ، ج ۲ ، ص ۱۴۶.

ابن حجر به اسنادش از ابن عبّاس روایت کرده است که آیه« اِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ اوُلئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ »هنگامیکه نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

« هُوَ اَنْتَ وَ شیعَتُکَ تَأْتی أَنْتَ وَ شیعَتُک یَوْمَ الْقِیامَهِ راضینَ مَرْضِیّینَ، وَ یَأْتی عَدُوُّک غَضْباناً مُقْمَحینَ »

« مرادِ این آیه تو و شیعیان تواند، در روز قیامت تو و شیعیانت می آیید در حالیکه از خدا خشنودید و خدا هم از شما خشنود است، و دشمنت می آید در حالیکه خشمگین و دستهایشان بر گردنشان بسته است ».

علی علیه السلام عرض کرد: دشمن من کیست؟ حضرت فرمود:

« مَنْ تَبَرَّأَ مِنْکَ وَ لَعَنَکَ »

« هر کس که از تو بیزاری جوید و تو را نکوهش کند ».

بعد فرمود:

« وَ خَیْرُ السّابِقینَ اِلی ظِلِّ الْعَرْشِ یَوْمَ الْقِیامَهِ، طوُبی لَهُمْ »

« خوشا به حال بهترین سبقت گیرندگان به سایه عرش در روز قیامت »

گفته شد: ای رسول خدا آنان کیانند؟ حضرت فرمود:

« شیعَتُکَ یا عَلِیُّ وَمُحِبّوُکَ ».

«شیعه تو ای علی و محبّانت ».(۱)

ص: ۲۳

۱- ۱ . الصّواعق المحرقه ، ص ۹۶.

۱۳

ابن حجر در کتاب صواعقش از امّ سلمه روایت می کند که گفت: شبی که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم پیش من بود فاطمه سلام اللّه علیها خدمت حضرت آمد و پشت سر ایشان حضرت علی علیه السلام وارد شد، پیامبر فرمود:

« یا عَلِیُّ اَنْتَ وَ اَصْحابُکَ فِی الْجَـنَّهِ؛ اَنْتَ وَ شیعَتُکَ فِی الْجَنَّهِ ».

« ای علی تو و اصحابت در بهشتید؛ تو و شیعیانت در بهشت خواهید بود ».(۱)

ص: ۲۴

۱- ۱ . الصّواعق المحرقه ، ص ۱۶۱ .

زمخشری در ربیع الأبرار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کند که فرمود:

« یـا عَلِیُّ اِذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِ اَخَـذْتُ بِحُجْزَهِ اللّه ِ تَعالی وَ اَخَـذْتَ اَنْتَ بِحُجْزَتی وَ اَخَـذَ وُلْـدُک بِحُجْزَتِک وَ اَخَـذَ شیعَهُ وُلْـدِک بِحُجَزِهِمْ فَنَری اَیْنَ یُؤْمَرُ بِنا ».

« ای علی وقتی روز قیامت بپا شود من ذیل عنایت خـدا را می گیرم و تو دامن مرا و فرزنـدان تو دامان تو را و شـیعه فرزنـدانت دامان آنها را، آنگاه در انتظار آن خواهیم بود که دستور دهند ما را به کجا برند ».(۱)

ص: ۲۵

۱- ۱ . ربیع الأبرار ، ج ۱ ، ص ۸۰۸ .

مغازلی به سندش از انس بن مالک روایت کرده است که انس گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« یَدْخُلُونَ مِنْ اُمَّتی الْجَنّهَ سَبْعُونَ اَلْف لا حِسابَ عَلَیْهِمْ »

«از امّت من هفتاد هزار نفر وارد بهشت می گردند که حساب و بازپرسی در مورد آنها به عمل نمی آید ».

آنگاه رو کرد به علی علیه السلام و فرمود:

« هُمْ شیعَتُکَ وَ اَنْتَ اِمامُهُمْ ».

« اینان شیعیان تو هستند و تو امام و رهبر آنها می باشی ».(۱)

ص: ۲۶

۱- ۱ . مناقب ابن المغازلی ، ص ۲۹۳.

مغـازلی از کـثیر بن زیـد روایت کرده است که گفت: اعمش بر منصور دوانیقی وارد شـد وقـتی چشـمش به اعمش افتـاد به او گفت: ای سـلیمان بیا صدر مجلس بنشـین، اعمش گفت: من خود هر جا بنشینم آنجا صدر است. تا آنجا که ضمن گفتگویش یادآور شد که حدیث کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و فرمود:

« أتانی جَبْرَئیلُ آنِفاً فَقالَ: تَخَتَّمُوا بِالْعَقیقِ فَإِنَّهُ أَوَّلُ حَجَرٍ شَهِدَ لِلّهِ بِالْوَحْدانِیَّهِ وَلی بِالنُّبُوَّهِ وَ لِعَلِیٍّ بِالْوَصِیَّهِ وَ لِوُلْدِهِ بِالْاِمامَهِ وَ لِشیعَتِهِ بِالْجَنَّهِ ».

« همین لحظاتی پیش جبرئیل نزد من آمد گفت: انگشـتان خود را با انگشتریِ عقیق بیارائید، زیرا عقیق نخستین سنگی است که برای خدا به وحدانیّت، برای من به نبوّت، برای علی علیه السـلام به وصایت و خلافت، برای فرزندانش به امامت و برای شیعیان علی علیه السلام به بهشت گواهی داده است ».(۱)

ص: ۲۷

۱- ۱ . مناقب ابن المغازلی ، ص ۲۸۱.

مغازلی به سندش از سلمان فارسی روایت کرده است که او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت نموده که آن حضرت فرمود:

« یا عَلِیُّ تَخَتَّمْ بِالْیَمینَ تَکُنْ مِنَ الْمـُقَرَّبینَ »

« ای علی انگشتری را در انگشت دست راست خود قرار ده که به سبب آن از زمره مقرّبین بشمار روی »

عرض کرد یا رسول اللّه مقرّبین چه کسانی هستند؟ فرمود:

« جَبْرَئیلُ وَ میکائیلُ »

« جبرئیل و میکائیل »

عرض کرد: با چه انگشتری دستم را بیارآیم؟ فرمود:

« بِالْعَقیقِ الْاَحْمَرِ فَاِنَّهُ جَبَلٌ أَقَرَّ لِلّهِ بِالْوَحْدانِیَّهِ وَلی بِالنُّبُوَّهِ وَ لَکَ بِالْوَصِیَّهِ وَ لِوُلْدِکَ بِالْاِمامَهِ وَ لِمـُحِبّیکَ بالْجَنَّهِ وَ لِشیعَتِکَ وَ شیعَهِ وُلْدِکَ بِالْفِرْدَوْسِ ».

« با انگشتر عقیق سرخ، زیرا عقیق کوهی است که برای خدا به وحدانیّت، برای من به نبوّت، برای تو، به وصایت و خلافت، برای فرزندان تو به امامت، برای دوستداران تو به بهشت و برای شیعیان تو به فردوس اقرار کرده است ».(۱)

ص: ۲۸

۱- ۱ . مناقب ابن المغازلی ، ص ۲۸۱ .

أخطب خوارزم به سلسـله سند از ابن عبّاس روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در خانه اش بود که علی بن ابیطالب علیه السـلام در بامداد نزد حضـرت رفت، وی دوست داشت که در رسیدن به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسـلم هیچ کس بر او پیشـی نگیرد، علی علیه السـلام وارد شد در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در صحن خانه بود و سـرش در دامن دحیه بن خلیفه کلبی قرار داشت علی علیه السـلام فرمود: خدا تو را از طرف ما اهل بیت جزای خیر دهـد. دحیه عرض کرد: من تو را دوست می دارم و برایت در نزد من مدحی است که تو را بدان آگاه می کنم: تو امیرمؤمنان، پیشوای آبرومنـدان و روسپیـدانی، تو سـرور فرزنـدان آدم در روز قیـامت هستی ... لوای حمـد در آن روز به دست تست، تو و شیعیانت با پیامبر و حزبش شتابان به سوی بهشت می روید، مسلّماً کسی که ولایت تو را پذیرفت رستگار شد، نومید و زیانکار کسـی است که با تو دشـمنی کرد، دوسـتاران محمّد صـلی الله علیه و آله وسـلم دوستاران تواند، و دشمنان ترا هیچگاه شفاعت محمّد صـلی الله علیه و آله وسـلم در بر نمی گیرد، نزدیک من شو ای برگزیده خدا. سپس سر پیامبر را گرفت و در دامان علی علیه السـلام گـذاشت و رفت. بعـد پیامبر سـرش را بلند کرد و فرمود: « این همهمه چیست؟ » علی علیه السـلام جریان را بازگو کرد. پیغمبر فرمود:

« یا عَلِیُّ لَیْسَ هُوَ دِحْیَهَ الْکَلْبی، هُوَ جَبْرَئیلُ، سَمّاکَ بِاسْمٍ

ص: ۲۹

سَمّاکَ اللّه ُ بِهِ وَ هُوَ الَّذی اَلْقی مَحَبَّتَکَ فی صُدُورِ الْمُـؤْمِنینَ وَرَهْبَتَکَ فی صُدُورِ الْکافِرینَ».

« ای علی، او دحیه کلبی نبود، بلکه جبرئیل بود که تو را به اسـمی نامیـد که خدا تو را بدان نامیده است، و خداست که محبّت تو را در سینه های مؤمنین افکنده، و ترس از تو را در سینه های کافرین قرار داده است ».(۱)

ص: ۳۰

۱- ۱ . مناقب خوارزمی ، ص ۲۳۱.

حاکم نیشابوری به سندش از زید بن ارقم روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« مَنْ یُریـدُ اَنْ یَحْیی حَیاتی وَ یَمُوتَ مَوْتی، وَ یَسْـکُنَ جَنَّهَ الْخُلْدِ الَّتی وَ عَدَنی رَبّی، فَلْیَتَوَلَّ عَلِیَّ بْنَ اَبیطالِبٍ فَاِنَّهُ لَنْ یُخْرِجَکُمْ مِنْ هُدیً، وَ لَنْ یُدْخِلَکُمْ فی ضَلالَهٍ ».

« هر کس می خواهـدماننـد من زنـدگی کنـد و مثـل من بمیرد، و در جنّت خلـدی که پروردگارم مرا وعـده داده است ساکن گردد، باید ولایت علیّ بن ابیطالب را بپذیرد، که مسلّماً او شما را از هدایت خارج نمی کند و در گمراهی داخل نمی گرداند (۱).»

ص: ۳۱

۱- ۱ . المستدرک علی الصّحیحین ، ج ۳، ص ۱۲۸ و کنز العمّال ، ج ۱۱ ، ص ۶۱۱.

خوارزمی به اسناد خویش از موسی بن جعفر علیه السلام از پدرانش از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا فرمودند:

« لَمّا اُدْخِلْتُ الْجِـنَّه رَأَيْتُ فيها شَجَرَهً تَحْمِلُ الْحُلِيَّ وَ الْحـُلَلَ، أَسْفَلُها خَيْلٌ، وَأَوْسَطُها حُورُ الْعينِ، وَ فى أَعْلاهَا الرِّضْوانُ، قُلْتُ يا جَبْرَئيلُ لِمَنْ هذِهِ الشـجَرَهُ؟ قالَ: هذِهِ لِابْنِ عَمِّكَ اَميرالْمـُؤْمِنينَ عَلِيِّ بْنِ اَبيطالِبٍ عليه السلام إِذا اَمَرَاللّه ُالْخَليقَهَ بالدُّخُولِ اِلَى الْجـنَّهِ يُؤْتى بِشيعَهِ عَلِيٍّ حَتّى يَنْتَهِىَ بِهِمْ اِلـى هـذِهِ الشـجَرَهِ، فَيَلْبَسُونَ الْحـُلِيَّ وَ الْحـُلَلَ، وَ يَرْكَبُونَ الْخَيْلَ الْبُلْقَ، وَ يُنادى مُنادٍ هؤُلآءِ شيعَهُ عَلِيِّ بْنِ اَبيطالِبٍ عليه السلام صَبَرُوا فِى الدُّنْيا عَلَى الْاَذى فَحُبُوا الْيَوْمَ ».

« هنگـامیکه داخـل بهشت شـدم در آن درختی دیـدم که زیورهـا و حُلّه هایی را حمل می کنـد در پایین آن درخت اسبانی به رنگهای سیاه و سفید قرار داشتند، و در وسط آن حورالعین و در بالای آن رضوان جای داشت. گفتم: ای جبرئیل این درخت از آن کیست؟ گفت: از آنِ پسر عمویت امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطـالب علیه السـلام . هنگامیکه خـدا خلق را به وارد شـدن در بهشت امر کند، شیعه علی علیه السلام آورده می شوند تا اینکه به این درخت می رسند، در آن هنگام از آن زیورها و لباسهای گرانبها می پوشند و بر آن اسبان

ص: ۳۲

سیاه و سفید سوار می شوند، منادی ندا می دهد که: اینها شیعه علیّ بن ابیطالب علیه السلام هستند، که در دنیا بر اذیّتها صبر کردند و امروز چنین مقامی به آنها عطا شده است ».(۱)

ص: ۳۳

۱- ۱ . مناقب خوارزمی ، ص ۳۲.

خوارزمی روایت کرده است به اسناد خویش از جعفر بن محمّد علیه السلام ، از پدرش، از علیّ بن حسین علیه السلام ، از پدرش، که فرمود: رسول خدا فرمودند:

« یا عَلِیُّ مَثَلُکَ فی اُمَّتی مَثَلُ الْمَسیحِ عیسَی بْنُ مَرْیَمَ، اِفْتَرَقَ قَوْمُهُ ثَلاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ مُؤْمِنُونَ، وَ هُمُ الْحَوارِیُّونَ، وَ فِرْقَةٌ عادُوهُ، وَ هُمُ الْیَهُودُ، وَ فِرْقَةٌ غَلَوْا فیهِ، فَخَرَجُوا مِنَ الْایمانِ، وَ اِنَّ اُمَّتی سَتَفْتَرِقُ فیکَ ثَلاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ شیعَتُکَ، وَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ، وَ فِرْقَةٌ اَعْداؤُکَ، وَ هُمُ النّاکِثُونَ، وَ فِرْقَةٌ غَلَوْا فیکَ، وَ هُمُ الْجاحِدُونَ الضّالُّونَ، فَأَنْتَ یا عَلِیُّ وَ شیعَتُکَ فِی الْجَنَّهِ، وَ مُحِبُّوا شیعَتِکَ فِی الْجَنَّهِ، وَ عَدُوُّکَ وَالْغالی فیکَ فِی النّارِ ».

« ای علی مثل تو در میان امّت من مثل حضرت مسیح عیسی بن مریم است، که قومش به سه فرقه تقسیم شدند: فرقه ایکه به او ایمان آوردند و آنها حواریّون اویند، و فرقه ایکه با او دشمنی کردند و آنها یهودند، و فرقه ایکه درباره او غلوّ کردند و از ایمان خارج شدند. مسلّما امّت من نیز درباره تو به سه فرقه تقسیم می شوند: فرقه ایکه شیعه تو هستند و آنها مؤمنین هستند، و فرقه ایکه دشمن تو هستند و آنها ناکثین (پیمان شکنان) هستند، و فرقه ایکه درباره تو غلوّ می کنند و آنها منکرین و گمراهانند، پس تو ای علی و شیعیانت در بهشت خواهید بود، محبّین شیعیان تو نیز در بهشت هستند و دشمن تو و غالی در حقِّ به تو در آتش است ».(۱)

ص: ۳۴

۱- ۱ . مناقب خوارزمی ، ص ۲۲۶.

خوارزمی به اسناد خویش از انس روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« اِذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یُنادُونَ عَلِیَّ بْنَ اَبیطالِبٍ علیه السلام بِسَبْعَهِ أَسْماءَ: یا صِدّیقُ، یا دالُّ، یا عابِدُ، یا هادی، یا مَهْدِیُّ، یا فَتی، یا عَلِیُّ! مُرْ أَنْتَ وَ شیعَتُکَ اِلَی الْجَنَّهِ بِغَیْرِ حِسابٍ ».

« هنگامیکه روز قیامت شود علیّ بن ابیطالب علیه السلام را به هفت اسم صدا می کنند: یا صدّیق (بسیار راستگو) یا دالّ (راهنما) یا عابد (عبادت کننده) یا هادی (هدایت کننده) یا مهدی (هدایت شده) یا فتی (جوانمرد) یا علیّ (بلند مرتبه)، تو و شیعیانت بدون حساب به سوی بهشت بروید ».(۱)

ص: ۳۵

۱- ۱ . مناقب خوارزمی ، ص ۲۲۸.

حموینی به اسنادش روایت کرده و گفته است: مرا خبر داد پیشوای عالم شرف الدّین اشرف بن محمّد حسینی مدائنی به این روایت و با این اسناد عالی و متّصل ... تا سیّد کرّار، قسیم جنّت و نار، اسداللّه الغالب: علیّ بن ابیطالب علیه السلام که فرمود: رسول خدا فرمودند:

« یا عَلِیُّ اِنَّ اللّه - غَفَرَلَکَ وَ لاِءَهْلِکَ وَ لِشیعَتِکَ وَ لُمحِبّی شیعَتِکَ وَ مُحِبّی مُحِبّی شیعَتِکَ فَأَبْشِرْ فَاِنَّکَ الْاْءَنْزَعُ الْبَطینُ، مَنْزُوعٌ مِنَ الشِّرْکِ بَطینٌ مِنَ الْعِلْمِ ».

« یا علی! بـدرستیکه خـدا تو، اهل، شـیعیان، دوسـتاران شـیعیان، و دوسـتارانِ دوسـتارانِ شـیعیانت را آمرزیـده است، پس بر تو بشارت باد بدرستیکه تو پاک و پاکیزه از شرک و مملوّ و سرشار از علم هستی ».(۱)

ص: ۳۶

۱- ۱ . فرائد السّمطین ، ج ۱ ، ص ۳۰۸.

ابن مغازلی به اسنادش از جعفر بن محمّد علیه السلام روایت کرده است که فرمود: حدیث کرد مرا محمّد بن علی علیه السلام ، از علی بن الحسین علیه السلام ، از حسین بن علی علیه السلام ، از علی بن ابیطالب علیه السلام از رسول اللّه صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود:

«یا عَلِیُّ اِنَّ شیعَتَنا یَخْرُجُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ عَلی ما بِهِمْ مِنَ الْعُیُوبِ وَ الذُّنُوبِ، وُجُوهُهُمْ کَالْقَمَرِ فی لَیْلَهِ الْبَدْرِ وَقَدْ فُرِّجَتْ عَنْهُمُ الشَّدائِدُ وَ سُهِّلَتْ لَهُمُ الْمَوارِدُ، وَ اُعْطُوا الاْءَمْنَ وَ الاْءَمانَ وَ ارْتَفَعَتْ عَنْهُمُ الْاءَحْزانُ، یَخافُ النّاسُ وَ لا یَخافُونَ، وَ یَحْزَنُ النّاسُ وَ لا یَحْزَنُونَ، شُرُکُ نِعالِهِمْ تَتَلالاَءُ نُوراً، عَلی نُوقٍ بیضٍ لَها أَجْنِحَهٌ، قَدْ ذُلِّلَتْ مِنْ غَیْرِ مَهانَهٍ، وَنَجَبَتْ مِنْ غَیْرِ رِیاضَهٍ، أَعْناقُها مِنْ ذَهَبٍ اَحْمَرَ، اَلْیَنُ مِنَ الْحَریرِ، لِکَرامَتِهِمْ عَلَی اللّه عَزَّوَجَلَّ».

« ای علی بدرستیکه شیعیان ما از قبورشان در روز قیامت با آنچه از عیوب و گناهان دارند، خارج می شوند، در حالیکه صورتهایشان مانند ماه شب چهارده است، و شدائد از آنها برطرف شده، و راههای ورود برایشان آسان گردیده، و به آنها امان داده شده، و احزان از آنها برطرف گردیده است، مردم می ترسند ولی آنها نمی ترسند، مردم محزون هستند و در آنها حُزن راه ندارد، از بند کفشهای آنها نوری متلألأ می شود، بر روی اشتران سفید قرار دارند، که برای آنها بالهائی است، و آن شترها

ص: ۳۷

رامِ آنهایند، و بدون زحمت از آنها فرمان می برند، گردنهای آنها از طلای سرخ و نرمتر از حریر است، و (این عطایا) به خاطر کرامت و ارزشی است که در پیشگاه خدا دارند ».(۱)

۱- ۱ . مناقب ابن مغازلی ، ص ۲۹۶ ، حدیث ۳۳۹.

ابن عساکر به اسنادش روایت کرده است از ابی عبداللّه جعفر بن محمّد الصّادق علیه السلام ، از محمّد بن علیّ الباقر علیه السلام ، از پدرش علی بن الحسین علیه السلام ، از پدرش حسین بن علی علیه السلام ، از پدرش امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

« یا عَلِیُّ اِذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ قُبُورِهِمْ، لِباسُهُمُ النُّورُ، عَلی نَجائِبَ مِنْ نُورٍ، اَزِمَّتُها یَواقیتُ حُمْرٌ تَزُفُّهُمُ الْمَلائِکَهُ اِلَی الْمحْشَرِ »

« ای علی هنگامیکه روز قیامت بپا شود، قومی از قبرهایشان خارج می شوند که لباسشان نور است، و بر مرکبهایی از نور قرار دارند که مهار آنها از یاقوت سرخ است، و ملائکه آنها را با شکوه به سوی محشر می برند »

علی علیه السلام عرض کرد پاك و منزّه و برتر است خدا، چقدر این قوم در پیشگاه خدا گرامی هستند؟ رسول خدا فرمود:

« یا عَلِیُّ هُمْ أَهْلُ وِلایَتِکَ وَ شیعَتُکَ وَ مُحِبُّوکَ؛ یُحِبُّونَکَ بِحُبّی، وَ یُحِبُّونی بِحُبِّ اللّه ِ، وَ هُمُ الْفائِزُونَ یَوْمَ الْقِیامَهِ ».

ص: ۳۹

« آنها همان اهل ولایت تو، شیعه و محبّین توانـد، که تو را دوست دارنـد، به خاطر آنکه مرا دوست دارند، و مرا دوست دارند چون خدا را دوست دارند، و آنها رستگاران در روز قیامتند ».(۱)

۱- ۱ . تاریخ دمشق، ج ۴۵ ، ص ۲۵۲ .

احمد به اسـنادش روایت کرده است از زید بن علی بن الحسـین، از پدرش، از جدّش، از علی علیه السـلام که فرمود: به رسول خدا از حسد مردم به خویش شکایت کردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« أَما تَرْضی اَنْ تَکُونَ رابعَ اَرْبَعَهٍ اَوَّلُ مَنْ یَدْخُلُ الْجَنَّهَ، أَنَا وَ أَنْتَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ اَزْواجُنا عَنْ اَیْمانِنا وَ عَنْ شَمائِلِنا، وَ ذَرارینا خَلْفَ اَزْواجِنا، وَ شیعَتُنا مِنْ وَرائنا ».

« آیا نمی خواهی یکی از اوّلین چهار نفری باشـی که داخل بهشت می شوند؛ (و آنها) من و تو و حسن و حسـین (می باشـیم)، همسران ما در طرف راست و چپ ما، و فرزندان ما پشت سرِ همسران ما قرار دارند، و شیعیان ما پشت سر ما هستند ».(۱)

ص: ۴۱

۱- ۱ . الفضائل ، ج ۱ ، الحدیث ۱۸۷ _ مخطوط _ .

ابن عساکر به اسـنادش روایت کرده است از یحیی بن عبداللّه بن حسن، از پدرش، از جعفر بن محمّد علیه السلام ، از پدرشان، از جدّشان، که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« اِنَّ فِی الْفِرْدَوْسِ لَعَیْناً أَحْلی مِنَ الشَّهْـدِ وَ أَلْیَنُ مِنَ الزَّبَدِ وَ أَبْرَدُ مِنَ الثَّلْجِ وَ أَطْیَبُ مِنَ الْمِسْکِ، فیها طینَهٌ، خَلَقَنَا اللّه ُمِنْها، وَ خَلَقَ مِنْهـا شـیعَتَنا، فَمَنْ لَمْ یَکُنْ مِنْ تِلْـکَ الطّینَهِ فَلَیْسَ مِنّـا، وَ لا ـ مِنْ شـیعَتِنا، وَ هِیَ الْمیثاقُ الَّذی أَخَـذَاللّه ُعَزَّوَجَلَّ عَلَیْهِ وِلایَهَ عَلِیِّ بْنِ اَبیطالِبٍ علیه السلام ».

« بدرستیکه در فردوس چشمه ای است شیرین تر از عسل، نرمتر از کره، سردتر از برف، خوشبوتر از مشک، در آن چشمه پاره ای گِل است که خـدا ما را از آن آفریـد، و شـیعیان ما را هم از آن خلق کرد، هر کسـی که از این گِل آفریده نشده باشد نه از ماست و نه از شیعیان ما، و آن گِل پیمانی است که خدا درباره ولایت علی بن ابیطالب گرفته است ».(۱)

ص: ۴۲

۱- ۱ . تاریخ دمشق ، ج ۴۵ ، ص ۵۰ .

قنـدوزی به اسـنادش از محمّـد بن حنفیّه از پـدرش علی علیه السـلام روایت کرده است که فرمود: من روزی خوابیـده بودم که رسول خدا وارد شد، به من نگاه کرد، مرا با پایش حرکت داد و فرمود:

« قُمْ یَفْـدی بِکَ اَبی وَ اُمّی فَاِنَّ جَبْرَئیلُ أَتانی فَقالَ لی بَشِّـرْ هـذا بِأَنَّ اللّه -تَعالی جَعَلَ الْاَئِمَّهَ مِنْ صُـلْبِهِ وَ أَنَّ اللّه -تَعالی لَغَفَرَ لَهُ وَ لِذُرِّیَّتِهِ وَ لِشیعَتِهِ وَ لِمُـحِبّیهِ، وَ اَنَّ مَنْ طَعَنَ عَلَیْهِ وَ بَخَسَ حَقَّهُ فَهُوَفِی النّارِ ».

« برخیز پـدر و مادرم به فدای تو باد، بدرستیکه جبرئیل پیش من آمد و به من گفت: بشارت بده این را که خدای تعالی ائمّه را از صـلب او قرار داده، او را و ذریّه اش را و شـیعیان و محبّینش را می آمرزد، و مسـلّماً کسـیکه از او بد گویی کند، و در حقّ او کوتاهی نماید در آتش خواهد بود ».(۱)

ص: ۴۳

۱- ۱ . ینابیع المودّه ، ج ۲ ، ص ۲۶۶ ، ح ۷۵۶ .

سید شهاب الدّین احمد به اسنادش از زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام ، از پدرش، از جدّش علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده که فرمود، رسول خدا در روز فتح خیبر فرمودند:

« لَوْلا اَنْ تَقُولَ طَوائِفُ مِنْ اُمَّتی فیکَ ما قالَتِ النَّصاری فی عیسَی بْنِ مَرْیَمَ لَقُلْتُ فیکَ مَقالَةً لا تَمُرُّ بِمَلَاءِ النّاسِ اِلّا أَخَذوُا مِنْ تُرابِ رِجْلَیْکَ، وَ مِنْ فَضْلِ طَهُورِکَ یَسْتَشْفُونَ بِهِ، وَ لکِنْ حَسْبُکَ اَنْ تَکُونَ مِنّی وَ اَنَا مِنْکَ تَرِثُنی وَ اَرِثُکَ، وَ اَنْتَ مِنّی بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسی اِلّا اَنَّهُ لا نَبِیَّ بَعْدی، اَنْتَ تُبْرِئُ ذِمَّتی وَ تُقاتِلُ عَلی سُنَّتی، وَ اَنْتَ فِی الْآخِرَهِ اَقْرَبُ النّاسِ مِنّی، وَ اِنَّکَ غَداً عَلَی الْحَوْضِ خَلیفَتی، تَزوُدُ عَنْهُ الْمُنافِقینَ، وَ اَنْتَ اَوَّلُ مَنْ تَرِدُ عَلَیَّ الْحَوْضَ، وَ اَنْتَ اَوَّلُ داخِلِ الْجَنَّهِ مِنْ اُمَّتی، وَ اِنَّ شیعَتَکَ عَلی مَنابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْیَضَّةً وُجُوهُهُمْ حَوْلی، أَشْفَعُ لَهُمْ فَیَکُونُوا غَداً فِی الْجَنَّهِ جیرانی، وَ اِنَّ عَدُوَّکَ غَداً تَرِدُ ناراً مُسْوَدَّةً وُجُوهُهُمْ، وَ اِنَّ حَرْبَکَ حَربی، وَسِلْمَکَ سِلْمی، وَسِرَّکَ سِرّی، وَ اِنَّ وُلْدَکَ وُلْدی، وَ لَحْمَکَ لَحْمی، وَدَمَکَ دَمی، وَ اِنَّ الْحَقَّ مَعَکَ، وَ الْحَقُّ عَلی لِسانِکَ وَ فی قَلْبِکَ وَ بَیْنَ عَیْنَیْکَ، وَ الْایمانُ مُخالِطٌ لَحْمَکَ وَ دَمَکَ، کَما خالَطَ لَحْمی وَ دَمی، وَ اِنَّ اللّه عَزَّوَجَلَّ اَمَرَنی اَنْ اُبَشِّرَکَ اَنَّکَ

ص: ۴۴

وَعِتْرَتَکَ فِی الْجَنَّهِ، وَ اَنَّ عَدُوَّکَ فِی النّارِ، لا یَرِدُ عَلَیَّ الْحَوْضَ مُبْغِضٌ لَکَ، وَلا یَغیبُ عَنْهُ مُحِبٌّ لَکَ ».

« اگر نمی گفتند گروههائی از امّت من درباره تو آنچه نصاری درباره عیسی بن مریم گفته اند، مسلّماً درباره ات سخنی می گفتم که از پیش انبوه مردم عبور نکنی جز اینکه خاک پای تو را بردارند و از زیادی آب وضویت استشفا کنند، و لکن همین برای تو بس است که تو از منی و من از توام، تو از من ارث می بری و من از تو ارث می برم، و تو نسبت به من همانند هارون نسبت به موسی هستی، جز اینکه پیامبری پس از من نیست. و ذمّه ام را پاک می گردانی و بر سنّت من به قتال می پردازی، و در آخرت نزدیکترین مردم به من هستی، و تو فردا جانشین من بر سر حوض خواهی بود، که منافقین را از آن دور می کنی، و تو اوّل کسی هستی که در سر حوض کوثر بر من وارد می شوی، و تو اوّلین کسی هستی که از امّت من داخل بهشت می شوی، و بدرستیکه شیعیان تو بر منبرهایی از نور خواهند بود، در حالیکه صورتهایشان سپید است و پیرامون منند، من برای آنها شفاعت می کنم و فردا در بهشت همسایگان منند، و بدرستیکه دشمن تو فردا به آتش وارد می شود. در حالیکه صورتهایشان سیاه است، و بدرستیکه جنگ با تو جنگ با من است، و آشتی و صلح با تو صلح با من است، راز تو راز من است، بدرستیکه فرزندان تو فرزندان منند، گوشت تو گوشت من و خون تو خون من است،

مسلّماً حق با تست و حق بر زبان تو و در قلب تو و بین دو چشمان تو است، ایمان با گوشت و خونت آمیخته شده، چنانکه با گوشت و خون من آمیخته است، بدرستیکه خدای عزّوجلّ به من امر کرده که تو را بشارت دهم که تو و عترت تو در بهشتید، و دشمن تو در آتش است، دشمنت در سرِ حوض کوثر بر من وارد نمی شود، و دوستدارت در سر آن حوض غائب نمی شود ».

و در روایت دیگر است:

« لَیْسَ أَحَدٌ مِنَ الْاُمَّهِ یَعْدِلُکَ »

« احدی از امّت همسنگ تو نیست ».

آنگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام (پس از شنیدن این کلمات) به سجده افتاد، سپس فرمود:

« الحمدللّه الّذی أنعم علیّ بالإسلام، و هدانی بالقرآن، و حبّبنی الی خیر البریّه خاتم النّبیّین و سیّد المرسلین احساناً منه و تفضّلاً ».

« حمد خدایی راست که به من نعمت اسلام را بخشید و مرا به قرآن هدایت کرد و در پیش بهترین خلق، خاتم پیمبران و سرور رسولان، از روی احسان و تفضّل محبوب قرار داد ».(۱)

ص: ۴۶

۱- ۱ . توضیح الدّلائل فی تصحیح الفضائل ، ص ۳۴۹ (مخطوط).

خوارزمی به اسنادش از علی علیه السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به او فرمود:

« اِنَّ لِلسَّماءِ حَرَساً، وَ هُمُ الْمَلائِکَهُ وَفِی الْاَرْضِ حَرَساً وَهُمْ شیعَتُکَ یا عَلِیّ ».(۱)

« بدرستیکه در آسمان نگهبانانی وجود دارند که آنها ملائکه هستند، و در زمین هم نگاهبانانی هستند که آنها شیعیان تواند ای علی ».

ص: ۴۸

۱- ۱ . مناقب خوارزمی ، ص ۲۳۵.

۳۱

میر سیّد علی همدانی به اسنادش از علی علیه السلام (از پیامبر) صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که فرمود:

« یا عَلِیُّ بَشِّرْ شیعَتَکَ أَنَا الشَّفیعُ یَوْمَ الْقِیامَهِ، وَقْتاً لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ اِلاّ شَفاعَتی ».

« یا علی بشارت بده به شیعیانت که من شفیع آنهایم در روز قیامت، آن وقتی که نه مال و نه فرزندان سود می رساند مگر شفاعتم که سودمند است ».(۱)

ص: ۴۹

۱- ۱ . ینابیع المودّه ، ج ۲ ، ص ۳۱۲، ح ۸۹۲ .

جابر از پیامبر اکرم روایت کرده است که حضرت فرمود:

« اِذا کـانَ یَوْمَ الْقِیـامَهِ یَأْتینی جَبْرائیلُ وَ میکائیلُ بِحُزْمَتَیْنِ مِنَ الْمَفاتیـحِ، حُزْمَهٌ مِنْ مَفاتیـحِ الْجَنَّهِ وَ حُزْمَهٌ مِنْ مَفاتیـحِ النّارِ، وَ عَلی مَفاتیحِ الجَنَّهِ أَسْماءُ الْمـُؤْمِنینَ مِنْ شیعَهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ ».

«هنگامیکه روز قیامت برپا شود جبرئیل و میکائیل دو دسته کلید برایم می آورند، یک دسته کلیدهای بهشت است، و دسته دیگر کلیدهای آتش، بر کلیدهای بهشت اسامی مؤمنین از شیعیان محمّد صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام ثبت شده است ».(۱)

ص: ۵۰

۱- ۱ . ینابیع المودّه ، ج ۲ ، ص ۳۱۱، ح ۸۸۸ .

از ابی هریره روایت شده که علیّ بن ابیطالب علیه السلام فرمود: ای رسول خدا، من پیش شما محبوبترم یا فاطمه؟ فرمود:

« فاطِمَهُ أَحَبُّ اِلَیَّ مِنْکَ، وَ أَنْتَ أَعَزُّ عَلَیَّ مِنْها، وَ کَأَنّی بِکَ وَ أَنْتَ عَلی حَوْضی تَزُودُ عَنْهُ النّاسَ، وَ اِنَّ عَلَیْهِ لَاَباریقَ مِثْلَ عَدَدِ نُجُومِ السَّماءِ وَ اِنّی وَ أَنْتَ وَ الْحَسَنُ و الْحُسَیْنُ وَ فاطِمَهُ وَ عَقیلٌ وَ جَعْفَرٌ فِی الْجَنَّهِ « اِخْواناً عَلی سُرُرٍ مُتَقابِلینَ »(۱) أَنْتَ مَعی وَ شیعَتُکَ فِی الْجَنَّهِ، ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله وسلم : « إِخْواناً عَلی سُرُرٍ مُتَقابِلینَ »لا یَنْظُرُ أَحَدٌ فی قَفا صاحِبِهِ ».

« فاطمه پیش من محبوبتر و تو نزد من عزیزتری، و گویا تو را می بینم که بر سر حوض ایستاده ای و مردم را از آن دور می کنی، و بر سر آن حوض ظرفهاییست به عدد ستارگان آسمان، و من و تو، حسن و حسین، فاطمه، عقیل و جعفر در بهشت هستیم، « آنها با هم برادرند و روی تختهای بهشتی مقابل یکدیگر نشسته اند » تو با من هستی و شیعیان تو در بهشتند ».

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این آیه شریفه را تلاوت فرمود: « اخواناً

ص: ۵۱

۱- ۱ . سوره حجر ، آیه ۴۷ .

علی سرر متقابلین » (به گونه ای که) هیچکدام پشت سر همنشین خود را نمی بیند (یعنی کاملاً رو به روی هم نشسته اند).(۱)

ص: ۵۲

۱- ۱ . مجمع الزّوائد ، ج ۹ ، ص ۱۷۳.

ابن شاذان به اسناد خویش از ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

« اِنَّ اللّه َخَلَقَ فِی السَّماءِ الرّابِعَهِ مِائَهَ اَلْفِ مَلَکٍ، وَ فِی السَّماءِ الْخامِسَهِ ثَلثِمائَهِ اَلْفِ مَلَکٍ، وَفِی السَّماءِ السّابِعَهِ مَلَکاً رَأْسُهُ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ رِجْلاهُ تَحْتَ الثَّری، وَمَلائِکَهً اَکْثَرُ مِنْ رَبیعَهَ وَ مُضَرَ، لَیْسَ لَهُمْ طَعامٌ وَ لا شَرابٌ اِلاَّ الصَّلوهُ عَلی اَمیرِالْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ اَبیطالِبٍ وَ مُحِبّیهِ وَ الْاِسْتِغْفارُ لِشیعَتِهِ الْمُذْنِبینَ وَ مُوالیهِ ».

« بدرستیکه خدا در آسمان چهارم صد هزار فرشته آفرید و در آسمان پنجم سیصد هزار و در آسمان هفتم فرشته ای آفرید که سر او زیر عرش است و دو پایش در اعماق زمین و ملائکه ای را آفرید که بیش از قبیله ربیعه و مضر هستند و طعام و نوشیدنی ندارند جز درود بر امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب و دوستارانش، و استغفار برای شیعیان گنهکار و دوستان و یارانش ».(۱)

ص: ۵۳

۱- ۱ . مائه منقبه ، ص ۱۴۹ ، ح ۸۸ .

ابن شاذان به اسنادش از موسی بن جعفر علیه السلام ، از پدرش، از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا فرمود:

« اِنَّ اللّه - تَعالی لَمّا خَلَقَ جَنَّهَ عَدْنٍ، قالَ تَزَیَّنی فَتَزَیَّنَتْ وَ ماسَتْ، فَقالَ: قَرّی بِعِزَّتی وَ جَلالی، ما خَلَقْتُکِ اِلاّ لِلْمُؤمِنینَ فَطُوبی لَکِ وَ لِساکِنیکِ »

« خدای تعالی هنگامیکه جنّت عدن را آفرید به او گفت: زینت بگیر، پس زینت گرفت و خرامید و به خود بالید، پس خداوند فرمود: قرار بگیر (آرام باش) که به عزّت و جلالم من تو را نیافریدم مگر برای مؤمنین پس خوشا به حال تو و ساکنانت »

سپس فرمود:

« یا عَلِیُّ ما خُلِقَتْ عَدْنٌ اِلاّ لَکَ وَ لِشیعَتِکَ ».

« ای علی بهشت عدن خلق نشده جز برای تو و شیعه تو ».(۱)

ص: ۵۴

۱- ۱ . مائه منقبه ، ص ۱۵۱ ، ح ۹۰ .

ابن شاذان به اسنادش از ایّوب سجستانی روایت کرده است که می گوید: در حال طواف بودم که با انس بن مالک برخورد کردم، او به من گفت: آیا تو را بشارت ندهم به چیزی که شادمان شوی؟ گفتم: آری، گفت: در پیشگاه پیامبر در مسجد مدینه ایستاده بودم در حالیکه حضرت در روضه نشسته بود، فرمود:

« اِسْرَعْ وَایتِنِی بِعَلِیٍّ بْنِ أَبی طالِبٍ »

« فوراً می روی و علیّ بن ابیطالب علیه السلام را می آوری »

پس رفتم با علی و فاطمه مصادف شدم، به علی علیه السلام عرض کردم: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شما را فرا می خواند. علی علیه السلام حرکت کرد (و به خدمت پیامبر رسید) پیامبر فرمود:

« یا عَلِیُّ سَلِّمْ عَلی جَبْرائیلَ »

« ای علی بر جبرائیل سلام کن »

علی علیه السلام فرمود: « السّلام علیک یا جبرائیل » و جبرئیل جواب سلام را رد کرد، پیامبر فرمود:

ص: ۵۵

« هذا جَبْرَئیلُ یَقُولُ: اِنَّ اللّه ـ یَقْرَءُ عَلَیْکَ السَّلمَ وَ یَقُولُ: طوُبی لَکَ وَ لِشیعَتِکَ وَ مُحِبّیکَ، وَ الْوَیْلُ ثُمَّ الْوَیْلُ لِمُبْغِضیکَ، اِذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِ نادی مُنادٍ مِنْ بُطْنانِ الْعَرْشِ: اَیْنَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله وسلم وَ عَلِیٌّ فَیُعْرَجُ بِکُما فِی السَّماءِ حَتّی تُوقَفا بَیْنَ یَدَیِ اللّه ِ فَیَقُولُ اللّه ـ لِنَبِیِّهِ أَوْرِدْ عَلِیّاً الْحَوْضَ، وَ هـذَا الْکَأْسَ أَعْطِهِ حَتّی یُسْقِیَ مُحِبّیهِ وَ شیعَتَهُ، وَ لا یُسْقِیَ أَحَداً مِنْ مُبْغِضیهَ وَ یَأْمُرَ لُمحِبّیهِ أَنْ یُحاسَبُوا حِساباً یَسیراً، وَ یَأْمُرَبِهِمْ اِلَی الْجَنَّهِ ».

« این جبرئیل است می گوید: خدا به تو سلام فرستاده و می فرماید: خوشا به حال تو و شیعه ات و دوستارانت، و وای پس وای (هلاکت باد) برای دشمنت، هنگامیکه روز قیامت بپا شود، منادی از درون عرش ندا می دهد: کجاست محمد و علی؟ تا در پیشگاه الهی حاضر شوند (و هنگامیکه در پیشگاه او حاضر شدند) خدا به پیامبرش می گوید: علی را بر حوض کوثر وارد کن، و این جام را بدو عطا کن، تا دوستان و شیعیانش را سیراب کند، و احدی از دشمنانش را سیراب نکند، و امر نماید تا محبّانش به آسانی حسابرسی شوند، و به سوی بهشت روانه گردند ».(۱)

ص: ۵۶

۱- ۱ . مائه منقبه ، ص ۱۴۰ ، ح ۷۹ .

ابن شاذان به اسـنادش از حذیفه بن یمان روایت کرده است که گفت پیامبر صـلی الله علیه و آله وسلم برخاست و بین دو چشم علیّ بن ابیطالب علیه السلام را بوسید و فرمود:

« یا أَبَاالْحَسَنِ أَنْتَ عُضْوٌ مِنْ أَعْضائی تَنْزِلُ حَیْثُ نَزَلْتُ وَ اِنَّ لَکَ فِی الْجَنَّهِ دَرَجَهً الْوَسیلَه، فَطُوبی لَکَ وَ لِشیعَتِکَ مِنْ بَعْدِکَ ».

« ای ابـاالحسن! تـو عضـوی از اعضـای من هسـتی، فرود می آیی در جـائیکه من فرود آیم، و مسـلّماً برای تو در بهشت درجه « وسیله » است، پس خوشا به حال تو و شیعیان تو بعد از تو ».(۱)

ص: ۵۷

۱- ۱ . مائه منقبه ، ص ۱۱۲ ، ح ۵۳ .

ابن شاذان به اسنادش از عبداللّه بن عبّاس روایت کرده است که گفت: رسول خدا به علیّ بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

« یا عَلِیُّ اِنَّ جَبْرَئِیلَ أَخْبَرَنی فیکَ بِأَمْرٍ قَرَّتْ بِهِ عَیْنی، و فَرَحَ بِهِ قَلْبی قالَ یا مُحَمَّدُ: اِنَّ اللّه تَعالی قالَ لی: اِقْرَأْ مُحَمَّداً مِنّی السَّلامَ، وَ أَعْلِمْهُ أَنَّ عَلِیّاً اِمامُ الْهُدی وَ مَصابیحُ الدُّجی وَ الْحُجَّهُ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا فَاِنَّهُ الصِّدّیقُ الْاَکْبَرُ وَ الْفارُوقُ الْاَعْظَمُ، وَ اِنّی آلَیْتُ بِعِزَّتی لا اُدْخِلُ النّارَ أَحَداً تَوَلّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلْاَوْصِیاءِ مِنْ بَعْدِهِ، وَ لا اُدْخِلُ الْجَنَّهَ مَنْ تَرَکَ وِلایَتَهُ وَ التَّسْلیمَ لَهُ وَ لِلْاَوْصِیاءِ مِنْ بَعْدِهِ حَقَّ الْقَوْلُ مِنّی لَاَمْلَاَنَّ جَهَنَّمَ وَ أَطْباقَها مِنْ اَعْدائِهِ وَ لَاَمْلَاَنَّ الْجَنَّهَ مِنْ اَوْلِیائِهِ وَ شیعَتِهِ ».

« ای علی جبرئیل به من خبری درباره تو داد که چشمم روشن شد و قلبم شادمان گردید، جبرئیل گفت: خدای تعالی فرمود: از جانب من به محمّد سلام برسان، و به او اعلام کن که: علی امام هدایت است، و چراغ تاریکیها و حجّت بر اهل دنیا: مسلّماً او صدّیق اکبر و فاروق أعظم است، و به درستیکه من قسم به عزّتم خورده ام که داخل جهنّم نکنم هر کسی را که ولایت او را

ص: ۵۸

پذیرفته باشد، و تسلیم او و اوصیای پس از او گردد، و به عزّتم سوگند خورده ام که داخل بهشت نکنم کسی را که ولایت او را نپذیرفته و تسلیم او و اوصیای پس از او نشده باشد. و براستی این قول من است که جهنّم و طبقات آنرا از دشمنانش پر خواهم کرد، و بهشت را مملوّ از دوستان و شیعیانش می نمایم ».(۱)

ص: ۵۹

۱- ۱ . مائه منقبه ، ص ۸۲، ح ۳۰ .

ابن شاذان از ابو سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که فرمود:

« ما مَرَرْتُ فی لَیْلَهٍ اُسْرِیَ بی بِشَیءٍ مِنْ مَلَکُوتِ السَّماءِ وَلا عَلی شَیءٍ مِنَ الْحُجُبِ فَوْقَها اِلاّ وَجَدْتُها مَشْحُونَهً بِمَلائِکَهِ اللّه ِ تَعالی یَقُولُونَ: هَنیئًا لَکَ یا مُحَمَّدُ! فَقَدْ اُعْطیتَ مالَمْ یُعْطَ اَحَدٌ بَعْدَکَ، اُعْطیتَ عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِبٍ أخاً وَ فاطِمَهَ زَوْجَتَهُ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ اَوْلاداً، وَ مُحِبّیهِمْ شیعَهً، یا مُحَمَّدُ اِنَّکَ أَفْضَلُ النَّبِیّینَ، وَ عَلِیٌّ أَفْضَلُ الْوَصِیّینَ، وَ فاطِمَهُ سَیِّدَهُ نِساءِ الْعالَمینَ، وَ الْحَسَنُ و الْحُسَیْنُ اَکْرَمُ مَنْ دَخَلَ الْجِنانَ مِنْ أَوْلادِ الْمُرْسَلینَ، وَ شیعَتُهُ أَفْضَلُ مَنْ تَضَمَّنَهُ عَرَصاتُ الْقِیامَهِ ».

« در شب معراج به هیچ چیزی در ملکوت آسمان نگذشتم، و نیز بر حجابی از حُجُب عبور نکردم، جز اینکه آنرا پر از ملائکه خدای تعالی یافتم، که می گفتند: گوارا باد بر تو ای محمّد، که به تو چیزهایی عطا شده که به احدی پس از تو عطا نشده است، برادری چون علی بن ابیطالب، و فاطمه همسر او و حسن و حسین به عنوان فرزندان، و محبّین آنها به عنوان شیعه

ص: ۶۰

به تو عطا گردیـده است، ای محمّـد! تو برترین پیامبران، و علی برترین اوصـیاء،و فاطمه سـرور زنان جهانیان، و حسن و حسـین برترین افراد از فرزندان پیامبران که داخل بهشت شده اند و می باشند، و شیعه او برترین کسانی هستند که صحنه قیامت آنها را در بر گرفته است ».(۱)

ص: ۶۱

۱- ۱ . خوارزمی در مقتل الحسین ، ج ۱ ، ص ۱۴۷ ، ح ۲۴ .

خوارزمی به اسنادش از زینب دختر علی علیه السلام ، از فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده است که رسول خدا به علی علیه السلام فرمودند:

« اَما اِنَّکَ یَابْنَ اَبیطالِبٍ وَ شیعَتَکَ فِی الْجَنَّهِ وَ سَیَجیءُ أَقْوامٌ یَنْتَحِلُونَ حُبَّکَ ثُمَّ یَمْرُقُونَ مِنَ الْاِسْلامِ کَما یَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمْیَهِ، لَهُمْ نَبْذٌ یُقال لَهُمُ الْخارِجَهُ، فَاِنْ لَقیتَهُمْ فَاقْتُلْهُمْ فَاِنَّهُمْ مُشْرِکُونَ ».

« بدان بدرستیکه تو ای پسر ابی طالب! و شیعیانت در بهشتید، و به زودی اقوامی می آیند که ادّعای محبّت تو را می کنند، سپس از اسلام خارج می شوند، چنانکه تیر از کمان خارج می گردد، به آنها خوارج گفته می شود، پس اگر با آنها ملاقات کردی آنها را بکش، که مسلّماً آنها مشرکند ».(۱)

* * *

ص: ۶۲

۱- ۱ . مناقب خوارزمی ، ص ۲۵۷.

آنچه از مجموع این احادیث نبوی که همگی از طرق اهل سنّت روایت شده است به دست می آید این است که لفظ « شیعه » به وسیله خود پیامبر بر پیروان و دوستاران امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اطلاق شده و در حقیقت پایه گذار مذهب شیعه وجود مقدّس رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده است، برماست که این رهنمود بزرگ پیامبر را که مبتنی بر پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد معصومین اوست، بپذیریم، زیرا خداوند فرموده: « اَطیعُوا اللّه ‑َ وَ اَطیعُوا الرَّسُولَ وَاُولُوالاْءَمْرِ مِنْکُمْ »که با توجّه به این احادیث و احادیث بسیار دیگر روشن می شود که مراد از « اوُلُوالاْءمر » امیرالمؤمنین و ائمّه معصومین علیهم السلام است.

آری بیائیم به ریسمان الهی چنگ زنیم و در پرتو تمسّک به این ریسمان محکم از تفرقه بپرهیزیم « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّه ِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا ».

[آل عمران / ۱۰۳]

« هذا کِتابٌ اَنْزَلْناهُ مُبارَکٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ »

[الأنعام / ۱۵۵]

ص: ۶۳

آثار چاپ شده ی مؤلّف

۴۱ ــ ابو ریحان بیرونی / چاپ دوّم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.

۴۲ ــ اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

۴۳ ــ ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوّم / انتشارات رسالت / قم.

۴۴ ــ ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۴۵ ــ ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.

۴۶ ــ اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.

۴۷ ــ اعتقادات علاّمه ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.

۴۸ ــ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم.

۴۹ ــ او خواهد آمد / چاپ دوازدهم / انتشارات رسالت / قم.

۵۰ ــ با دعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.

۵۱ ــ بانوی اسلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۵۲ ــ تاریخ شیعه ی زیدیّه / چاپ اوّل / دانشگاه شیراز.

۵۳ ــ تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.

۵۴ ــ تاریخچه ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۵۵ ــ ترجمه ی مصوّر سوره ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر/ تهران.

۵۶ ــ ترجمه ی مصوّر سوره ی الرّحمن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.

۵۷ ــ تشرفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران.

۵۸ ــ تشیّع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.

۵۹ ــ جزیره ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.

۶۰ ــ جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم

ص: ۶۴

۶۱ ـ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۶۲ ـ چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۶۳ ـ چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.

۶۴ ـ چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۶۵ ـ چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.

۶۶ ـ حضرت مهدی و رابطه العالم الاسلامی /ترکی/انتشارات زمان/ استانبول.

۶۷ ـ دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۶۸ ـ دراسه عن حیاه فاطمه علیهاالسلام / عربی / چاپ اوّل / بحرین.

۶۹ ـ در حریم حضرت معصومه علیهاالسلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.

۷۰ ـ راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۷۱ ـ روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران.

۷۲ ـ روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۷۳ ـ رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۷۴ ـ زندگانی کریمه ی اهلبیت / نشر حاذق / قم.

۷۵ ـ زمینه سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران.

۷۶ ـ زیارت عاشورا وآثار معجزآسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.

۷۷ ـ زیارتنامه ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

۷۸ ـ سرچشمه کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه وداد / کرج.

۷۹ ـ سند حدیث کساء / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم.

۸۰ ـ سیری در ترجمه های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم.

۸۱ _ سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران.

۸۲ _ طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوّم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.

ص: ۶۵

۸۳ ــ عاشورا چه روزیست ؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۸۴ ــ علاّمه ی اقبال در مدینه / چاپ اوّل / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۸۵ ــ علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.

۸۶ ــ علی و فلسفه ی الهی / چاپ اوّل / بنیاد علاّمه ی طباطبائی / قم.

۸۷ ــ قرآن معجزه ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۸۸ ــ قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.

۸۹ ــ کتابنامه ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.

۹۰ ــ کتابنامه ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.

۹۱ ــ کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.

۹۲ ــ کریمه ی اهلبیت / چاپ اوّل / انتشارات حاذق / قم.

۹۳ ــ گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

۹۴ ــ معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.

۹۵ ــ میثم تمّار / چاپ اوّل / انتشارات توحید / تهران.

۹۶ ــ میلاد نور / چاپ اوّل / مسجد صدریّه / تهران.

۹۷ ــ نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.

۹۸ ــ نبراس الفائزین بزیاره امیرالمؤمنین علیه السلام / چاپ اول / انتشارات تک / قم.

۹۹ ــ نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوّم / دارالتّبلیغ اسلامی / قم.

۱۰۰ ــ نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.

ص: ۶۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹